

فقه اسلامی

من یرد الله به خیر ا یفقهه

فی الدین .

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند به وی اراده خیر فرماید

او را در امور دین دانشمند می سازد"

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَأَخْلِلْ عُنُقَدَةً

مَنْ لِي سَانِي ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○

(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره! زما سینه را پراخه کره!

او زما امر (درسالت) راته آسان کره! او زما

له ژبی خخه غوته پرانیزه! چي (خلک) زما په

خبرو (نبه) وپوهیږي."

نومبر 2010

ذوالعقده

شماره یک صد و پنجاه و نهم

مسلمانان آنچه از دین در امور دنیا و آخرت احتیاج دارند تعلیم بگیرند و اولاد مسلمانان از تخریب و انحرافات فکری و اخلاقی حفظ شوند و مطالب زهرآلود کتابهای که باعث انحراف اذهان شاگردان می شود در امان بمانند .

و مثل مدارس می توان گفت تأسیس کتابخانه برای مطالعه در مقابل کتابخانه های تخریب کننده و همچنان بنای شفا خانه های اسلامی برای علاج مسلمانان و نجات شان از شفا خانه ها و مؤسسات تبشیری.

حکم فروش مسجد

مجمع فقهی کنفرانس اسلامی جواب میدهد :
جواز است فروش مسجد اگر از آن استفاده نشود و مسلمانان از جای که مسجد است به جای دیگر انتقال نمایند و یا ترس آن باشد که کفار مسجد را بعد از هجرت و یا نقل مکان شان بگیرند . از پول مسجد که فروخته میشود محل دیگر برای مسجد خریداری شود .

مسائل و احکام فقهی

تعمیر مساجد و مدارس در کشورهای غیر اسلامی از پول زکات

سؤال : بعضی علمای معاصر اجازه میدهند که از پول زکات میشود در بناء مساجد و شفا خانه و مدارس و غیره اعمال خیریه مصرف شود و حجت این دسته از علما در این است که تمام این اعمال خیریه در معنی (سبیل الله) که آیه کریمه مصرف زکات را تعیین نموده شامل است.

دکتور یوسف القرضاوی جواب میدهد :

تأسیس مدارس در وقت عادی یک عمل خوب و صالح و قابل شکر است لیکن بدرجه جهاد نمی باشد یعنی مساوی به جهاد نیست.

لیکن اگر در کشوری که اداره تعلیم آن بدست مبشرین (کسانیکه به مسیحیت دعوت میکنند) و کمونستها و سیکولرها که طرفدار جدائی دین از دولت اند و بی دین ها باشد در این حالت تأسیس و ساختن مدارس اسلامی از بالاترین درجه جهاد به حساب می آید تا اولاد

نیست و اما اگر بعد از ختم نماز شک در خواندن سوره فاتحه نمود توجه نکند نمازش صحیح است.

در سجده سهو سبحان ربی الأعلی و غیر از آن خوانده میشود و این دعا است.

حکم نماز برای کسیکه شک کند که سوره فاتحه را خوانده است یا نه؟

جواب از کتاب (الفتاوی، جزء اول از شیخ

عبدالعزیز بن عبداللہ بن باز).

اگر نماز گزار (منفرد و یا امام در جماعت) شک کند که سوره فاتحه را خوانده است یا نه، درین حالت قبل از رکوع سوره فاتحه را بخواند و سجده سهو در این حالت نیست... و لیکن اگر بعد از آنکه نمازش را تمام کرد شک نمود و متوجه نشده بود نمازش صحیح میباشد. در سجده سهو همان دعا و ذکر که در تمام سجده های نماز گفته می شود باید گفت مانند: سبحان ربی الأعلی.

حکم خارج شدن بول بصورت غیر طبیعی آن

شیخ عبدالحمید کشک جواب میدهد:

سؤال: شخصی که از وی بدون اراده اش بول همیشه خارج میشود، خصوصا در زمستان، آیا در این حالت وضوء باطل میشود؟ آیا در وقت هر نماز لباس خود را بشوید؟

جواب: خارج شدن بول اگر چه یک قطره نیز باشد

وضوء را ناقص میسازد چنانچه ابی هریره حدیث رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم را در موضوع روایت میکند که: خداوند نماز یکی از شما را قبول

سؤال: اگر در دلم شک آید که آیا نماز را خوانده

ام یا نه، چه باید کنم؟

جواب (ابن باز، الفتاوی) اگر در نماز های فرضی انسان شک نمود که اداء نموده یا خیر، واجب است که به اداء آن قیام نماید چنانکه رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: (من نام عن الصلاة أو نسيها فليصلها إذا ذكرها لا كفارة لها إلا ذلك). اگر کسی در وقت نماز خواب باشد و یا فراموش نموده باشد نماز را وقتی که بیدار آورد نماز بخواند و کفاره ندارد.

بالای مسلمان واجب است که در اداء نماز توجه خاص داشته باشد و نماز را در وقت آن و در جماعت اداء کند زیرا نماز ستون اسلام و یکی از مهمترین فرائض بعد از شهادتین است و خداوند سبحانه می فرماید: (حافظوا على الصلوات و الصلاة الوسطی و قوموا لله قانتین * البقره: 238). مواظبت نمائید بر همه نمازها و (مخصوصا) نماز وسطی (نماز عصر و یا بهترین نماز) و بحضور خداوند (در نماز) با ذکر و خشوع ایستاده شوید.

و همچنان خداوند سبحانه می فرماید: (و أقيموا الصلاة و آتوا الزکاة و اركعوا مع الرکعین * البقره: 43). و بر پا دارید نماز را و ادا کنید زکات را، و نماز گزارید با نماز گزاران.

سؤال: در اثناء نماز شک داشتم که سوره فاتحه

را نخوانده ام آیا سجده سهو کنم؟ و در سجده

سهو کدام دعا را بخوانم؟

جواب (ابن باز، الفتاوی) اگر در نماز منفردانه و یا امام در نماز جماعت در خواندن سوره فاتحه شک کرد قبل از رکوع آنرا بخواند و درین صورت سجده سهو

و این حکم را مشایخ مذهب حنفی اختیار نموده اند و در (البدائع) تصحیح کرده اند.

شک در شکستن وضوء

سؤال: بعد از وضوء فکر میکنم که یک قطره بول خارج میشود در حالیکه مرض سلیس بول ندارم. و قتیکه ملاحظه میکنم یک نقطه صغیر را می بینم، آیا وضوء بواسطه آن باطل می گردد؟

جواب: از کتاب (موسوعة فتاوی المغتربین، مجمع فقهاء الشریعة بأمریکا، فصل طهارت، جلد هفتم).

اگر از شخصی یک قطره از بول نیز خارج شود وضوء باطل می شود و اگر بعد از خارج شدن آن کسی نماز بخواند نمازش بسبب اینکه در طهارت نبوده قبول نمی گردد.

لیکن اگر کسی احساس به خارج شدن بول نمود و علامه بول را ملاحظه نکرد مانع در خواندن نماز نیست زیرا عبرت در واقعیت است نه به خیال و احساس و مجرد خیال کردن یک چیز سبب شکستن وضوء نمی شود.

در وقت نماز اگر انسان به خارج شدن یک چیز احساس کرد اگر آواز را نشنید و بوی را احساس نکرد به نماز خود ادامه بدهد نظر به حدیث مبارک که عبدالله بن زید از رسول اکرم صلی الله علیه وسلم روایت نموده که: « لا ینصرف حتی یسمع صوتا أو یجد ریحا * متفق علیه، أخرجه البخاری فی کتاب الوضوء - حدیث 137 و مسلم فی کتاب الحیض - حدیث 361 ».

از نماز خارج نشوید تا اینکه آواز و یا بوی را احساس نکنید.

نمیکنند اگر وضوء اش شکسته شده باشد تا وقتیکه وضوء نکند.

مگر اگر بول بشکل مستمر خارج شود و انسان خارج شدن آنرا ممانعت کرده نتواند که این مریضی بنام (سلس بول) یاد میشود و یک حالت استثنائی و عذر بوده که بقدر ضرورت و رفع مشکلات اجازه خاص را برای خود دارد زیرا الضرورات تبیح المحظورات و المشقه تجلب التیسر ضرورت محظورات را مباح میسازد و مشقت یا زحمت جلب میکند آسانی را.

حکم کسیکه به این مرض (آمدن استمرار ادرار) و خارج شدن بوی و جریان خون بطور دائمی (مثل استمرار آمدن خون بعد از وقت مریضی زنانه و استمرار خون بعد از مدت ولادت) نسبت به حالت عادی فرق میکند زیرا حالت غیر عادی است.

در مذهب حنفی آمده که در حالات فوق الذکر در وقت هر نماز فرض وضوء شود و به همان وضوء هر قدر نماز نفل و فرض بخواند صحیح است و اگر قرضی (قضایی) فرائض را بخواند نیز صحیح می باشد و وضوء بعد از ختم نماز باطل میگردد و این حکم را امام ابو حنیفه و امام محمد کرده اند و در نزد این دو امام شخص باید در وقت نماز (فرض) بعدی تجدید وضوء کند.

اما لباس که بواسطه خارج شدن بول نجس میشود میگویند که شسته نمیشود زیرا قلیل یا اندک نجاست اگر بقدر کف دست باشد عفو میشود و به همین ترتیب زیادتر آن نظر به ضرورت عفو دارد زیرا عذر که سلس بول است وضوء را نقض نمیکند پس بدین معنی نجاست حکمی نیست و همچنان میگویند که اگر از مقدار و اندازه عفو زیادتر باشد شسته شود اگر هر لحظه بول خارج نشود در غیر آن شستن لباس لازم نیست

فضل غنی مجددی

اسراء و معراج

(قسمت دوم)

معجزه اسراء و معراج تکمیل بناء تمام ادیان است. قصه اسراء و معراج محبت و دوستی بین تمام انبیاء را نشان میدهد چنانکه قرآن کریم می فرماید: (آمن الرسول بما انزل إلیه من ربه و المؤمنون ، کل آمن بالله و ملائکته و کتبه و رسوله ، لا نفرق بین احد من رسله * البقرة: 285).

{ پیغمبر محمد صلی الله علیه و سلم } به آنچه که از جانب پروردگارش به وی نازل شده است ایمان آورد و مؤمنان نیز ایمان آوردند ، (و گویند) میان هیچیک از پیغمبران خداوند فرق نگذاریم و گفتند (فرمان خدا را) شنیدیم و اطاعت کردیم ، ای پروردگار ما ، آمرزش ترا میخواهیم و بسوی تو است بازگشت . { . { تفسیر از استاد سیرت } .

سیدنا محمد صلی الله علیه و سلم مبعوث شد تا تکمیل کند ادیان سماوی را و همچنان پاک سازد آنچه مردم از جهالت به ادیان سماوی اضافه نموده بودند .

اسراء و معراج نمونه از سلامت فطرت است :

اسراء و معراج به اثبات میرساند که صفت اولی این دین (اسلام) فطرت است و دین اسلام دین فطرت می باشد . در صحیح البخاری 6 / 436 و مسلم 64/7 - 65) از حدیث ابوهریره رضی الله عنه آمده که: (..... ثم آتیت بیاء من خمر و إناء من لبن * فأخذت اللبن * فقال : هی الفطرة التي أنت علیها و أمتک) بازیک گیللاس خمر و یک گیللاس شیر برایم پیش شد ، من شیر را گرفتم و جیرئیل گفت این است فطرت که تو بر آن استوار هستی و امتات نیز.

فرض نماز:

در معراج نمازهای پنجگانه فرض شد و فرضیت نماز در معراج معنی آن این است که به نماز بنده به معراج میرسد و از شهوت های دنیا دوری میکند .

نمازی که خداوند در معراج فرض ساخت غیر از نماز های است که امروز مردم می خوانند . اگر نماز ، انسان نماز خوان را بدرجه معراج و صفای قلب و اخلاق عالی نرساند باید گفت که نماز کذب و دروغ است .

در حدیث شریف در معنی نماز (طهور) پاکی آمده ، نماز انسان را پاک می سازد ، کدام انسان را ، انسان زنده را نه اجساد مرده را .

مسلمانان و سفر اسراء و معراج :

میگویند بعضی مسلمانان بعد از نشر خبر اسراء و معراج مرتد شدند این قصه حقیقت ندارد و هیچ دلیل تاریخی نیست که مسلمانان بعد از اسراء و معراج مرتد شده باشند بلکه عقیده مسلمانان بعد از اسراء و معراج قویتر شد .

قریش خواستند که از اسراء و معراج استفاده سوء نمایند و مسلمانان را نسبت بدین شان و پیامبر شان مشکوک سازند . فیصله کردند که اول باید ابوبکر را به شک آورند زیرا اگر ابوبکر در قول رسول الله شک کرد تمام مسلمانان به اقوال محمد شک خواهند کردند .

گفتند یا ابوبکر ! رفیق شما یعنی محمد می گوید که: (به آسمان رفت و به بیت المقدس رفت و در همان شب به خانه برگشت) . ابوبکر رضی الله عنه جواب داد : اگر محمد صلی الله علیه و سلم گفته باشد ، راست گفته . ابوبکر ادامه داده گفت : این گفته محمد برای من بسیار تعجب ندارد . من ایمان دارم که از آسمان هر روز برای محمد وحی می آید .

حضرت ابوبکر چون از زبان حضرت پیغمبر صلی الله علیه و سلم شخصا نشنیده بود لذا گفت که اگر محمد این حکایت را کرده باشد صدق است و جای تعجب در قبول آن نیست .

ادامه در صفحه

سیرتاریخی قواعد کلی فقهی

(1)

فقه‌های مذهب حنفی مؤسس قواعد کلی فقهی اند

تدوین می شود تدوین نگردیده بلکه به اوقات متعدد در عصور طلایی فقه و نهضت علمی آن توسط کبار فقهای مذاهب از اهل تخریج و ترجیح با استنباط از دلائل نصوص عمومی شریعت و مبادی اصول فقه و تعلیل احکام و مقررات عقلی تدوین گردیده است.

معلوم نیست که قواعد فقهی که موجود است از عمل و استنباط کدام شخص فقهی می باشد مگر آن قاعده ای که در آن نص از حدیث شریف است مانند قاعده «لا ضرر و لا ضرار» و یا اثری که از بعضی امامان مذاهب و کبار شاگردان شان باقی مانده که بعداً بشکل قاعده فقهی شناخته شده است مثل قول امام ابو یوسف مصاحب امام ابو حنیفه که در کتاب خود بنام:

{*الخراج*} برای خلیفه عباسی هارون الرشید تدوین نمود آمده که: { لیس للإمام أن یخرج شیئا من ید أحد إلا بحق ثابت معروف * برای امام نیست که یک شی یا چیزی را از دست کسی خارج سازد مگر به حق ثابت و معروف * } مراجعت شود به «الخراج» فصل موات الأرض، ورد المحتار 2/ 257.

اما قواعد اساسی فقهی عمل فقهای بزرگ مذاهب می باشد که بعد از پاک سازی و استدلال احکام فقهی و اجتهادات امامان مذاهب و خصوصا بعد از تثبیت مذاهب تهیه و ترتیب و با ادله تحریر یافت. مذهب حنفی ظاهرا اسبق و قدیمترین مذاهب چهارگانه است که فقهای شکل و مبادی قواعد فقهی را بشکل قواعد معین ترتیب و اساسات آنرا پایه گذاری نمودند و بعد از ایشان فقهای مذاهب دیگر بدان دسترسی پیدا کردند.

قواعد کلی فقهی در نزد امامان و فقهای مذهب حنفی بنام { اصول } یاد می شد چنانکه القرافی می گوید. مثلا در شرح و تعلیلات احکام ملاحظه می

مقدمه: برای معلومات عمومی برادران و خواهران مسلمان خود در این سلسله خواستیم تا قواعد کلی فقهی را معرفی نمائیم زیرا دانستن قواعد کلی فقهی ما را در فهم موضوعات مهم فقهی کمک میکند و آشنائی به قواعد کلی فقهی ثقافت عمومی مسلمانان را ازدیاد می بخشد. این سلسله را از کتاب:

{ شرح القواعد الفقهیه * تألیف الشیخ أحمد بن الشیخ محمد الزرقا * طبع دوم 1357 ، 1938 ، دمشق } ترجمه کرده و خاطر نشان می نمائیم که قواعد کلی فقهی در این کتاب با اساس مذهب حنفی می باشد.

معنی قواعد کلی فقهی:

قاعده در لغت: در لغت قاعده معنی آن اساس است مثل اساس منزل چنانکه حضرت خداوند سبحانه و تعالی در بناء کعبه می فرماید: { و إذ یرفع إبراهیم القواعد من البیت و إسماعیل { مرجع: المصباح، و غریب القرآن للسیستانی.

قاعده در اصطلاح نحو: بمعنی ضابط و به معنی حکم منطبق بالای تمام جزئیات آن است.

قاعده در اصطلاح فقهاء: عبارت از حکمی کلی که تطبیق می شود بالای معظم اجزای آن بطور مثال:

«الأمر بمقاصدها * امور به مقصدها آن» و همچنان: «الأصل بقاء ما کان علی ما کان حتی یقوم الدلیل علی خلافه * اصل باقی می ماند تا اینکه دلیل بر خلاف آن بیاید».

قواعد کلی فقهی در اصطلاح قانون امروز بنام «مبادی * جمع مبداء یعنی (Principle) یاد می شود.

قواعد کلی فقهی در فقه اسلامی تمام آن مانند نصوص قانون معاصر که توسط یک کمیته و در وقت معین

* امام الکرخی : ابو الحسن عبیدالله بن الحسین الکرخی نسبت به کرخ عراق دارد . در سال / 260 هجری / تولد و در سال

/ 340 / هجری وفات نمود و ریاست مذهب حنفی را بعهدہ داشت .

* امام الدباس : ابو طاهر محمد بن محمد الدباس ، امام مردم رأی در عراق بود و روایات را حفظ داشت و در فهم آن استاد بود از اقارب امام الکرخی بود . و قاضی شام بود * برای مزید معلومات مراجعه شود به :

(الفوائد البهیه فی تراجم الحنفیه * تألیف الشیخ عبدالحی الکنوی ، صفحہ : 109 و 187) .

ظاهر آن است که امام الکرخی قواعد کلی فقهی را که ابو طاهر الدباس جمع نموده بود گرفته و در آن اضافاتی آورده بعدا بنام : مجموع الکرخی معروف شده که شامل 37 قاعده است و چنانکه ملاحظه شد ابن نجیم قواعد فقهی کلی را که امام الدباس جمع نموده بود در 17 قاعده آورده است .

در قواعد امام الکرخی اگر بدقت ملاحظه شود دیده می شود که قواعد فقهی که جمع نموده بعضی آن به معنی قاعده که آنرا شرح دادیم نیست بلکه نظریات و توجیہات بزرگان مذهب از مسائل می باشد .

آنچه از سطور گذشته می آموزیم خلاصه آن این است که همین قواعد عبارت از مفاهیم و مبادی عمده فقه بوده که حرکت تدوینی آن در اواخر قرن سوم هجری عملی شد لیکن اصول و معانی فقهی آن قبل بر آن که تدوین شود نزد فقهاء معلوم بود و باساس آن اساسات علمی خود را عیار می کردند باید دانست که قواعد کلی فقه غیر از (اصول فقه) است زیرا اصول فقه علم خاص است که توسط آن از شیوه علمی تفسیر نصوص و فهم معانی و استنباط احکام استفاده میشود .

سیرتاریخی قواعد کلی فقهی /

گردد که مؤلفین در قواعد می گویند که : { من أصول آبی حنیفه أو الأصل عند آبی حنیفه کذا و کذا } .

یعنی اصول آبی حنیفه و یا اصل در نزد آبی حنیفه این و آن است و بعضی از این قواعد را ذکر میکنند مثلیکه در کتاب :

{ تأسیس النظر } اثر الدبوسی و در قواعد الکرخی می خوانیم قدیمترین روایتی که در جمع قواعد کلی فقهی در مذهب حنفی بصورت و شکل فقهی آن روایت شده از علامه ابن نجیم در مقدمه کتاب وی بنام { الأشیاء و النظائر } است در حلیکه امام ابا طاهر الدباس - که در قرن سوم و چهارم هجری - می زیست مهمترین قواعد مذهب ابو حنیفه را در 17 قاعده کلی جمع نموده بود . ابو طاهر نا بینا بود و هر شب در مسجد خود بعد از خارج شدن مردم از مسجد قواعد کلی فقهی ابو حنیفه را تکرار میکرد و ابن نجیم ذکر میکند که ابو سعید الهروی الشافعی بخدمت ابو طاهر رفته و از وی بعضی از قواعد کلی فقهی را نقل نموده و از آن جمله پنج قاعده که مهترین و مادر قواعد کلی فقهی یاد می شود که در آن مبادی شریعت و امور اجتهادی خلاصه می شود .

1 - الأمور بمقاصدها * 2 - الضرر یزال * 3 - العادة محكمة * 4 - الیقین لا یزول بالشک * 5 - المشقة تجلب التیسیر * .

قدیمترین مجموعه این قواعد کلی فقهی که بشکل رساله خاص بدست رسیده قواعد امام آبی الحسن الکرخی است که آنرا امام نجم الدین ابو حفص عمر النسفی الحنفی متوفی سال / 537 / هجری شرح و توضیح نموده است .

{ * امام الکرخی و امام الدباس معاصر هم بودند و هر دو از بزرگان طبقات علیا در مذهب حنفی اند و لیکن امام الکرخی شهرت بیشتر دارد .

سیرتاریخی قواعد کلی فقهی /

تا اینکه امام ابو زید عبیدالله بن عمر الدبوسی الحنفی آمد و کتاب خود را بنام «تأسیس النظر» تألیف کرد. وی در آن جمعی از ضوابط خاص فقهی را که در موضوع خاص بود آورد و قواعد کلی فقهی را تدوین کرد

{ الدبوسی از بزرگان فقهای مذهب حنفی است که مثال مهم در نظریات فقهی بین علما مثال مهم می باشد. و ابن خلکان الدبوسی را شخص اول در علم اختلاف بین فقهاء می داند.

* علم اختلاف فقهاء در اصطلاح علم حقوق جدید بنام « فقه مقارن » یاد می شود. بدین ترتیب الدبوسی رحمه الله اولین فقهی بود که در تنظیم، بحث و تحقیق در فقه مقارن بین مذاهب بذل توجه کرد و فقه اختلاف فقهاء را بصفت علم مستقل معرفی نمود.

کتاب الدبوسی - تأسیس النظر - با قواعد امام الکرخی در مطبعه ادبی مصر بچاپ رسیده است.

اسراء و معراج /

اسراء و معراج که دو معجزه (زمینی و آسمانی) بود فقط خاص برای رسول اکرم صلی الله علیه و سلم بود نه برای تمام مردم زیرا معجزه برای اثبات و یا چلنج برای یک گروه از مردم می باشد چنانکه معجزه حضرت موسی برای خنثی کردن جادوگران فرعون بود.

سفر رسول اکرم صلی الله علیه و سلم (اسراء و معراج) چنانکه در احادیث صحیح آمده به شستن قلب رسول الله صلی الله علیه و سلم شروع میشود. حضرت جبرئیل علیه السلام با کاسه از آب قلب رسول الله را شست.

شستن قلب رسول الله به سفر به معراج برای امت رسول الله معنی توبه را میدهد. به چه معنی؟ به این معنی که هر زمانی که بنده می خواهد به خداوند برسد البته از طریق عبادت و ذکر باید توبه کند و توبه شستن قلب مسلمان است و توبه آغاز زندگانی جدید و بدایت رسیدن به مقام رب العزت می باشد.

البته توبه نصوح و توبه نصوص آنها توبه را می گویند که انسان از کاری که نموده ندامت کند و عزم کند که دوباره تکرار نمیشود.

The Assemble of Muslim Jurists in America

آدرس فقه اسلامی

*Mogaddedi Fazl Ghani
201 Washington Blvd # 104
Fremont , ca 94539
U.S.A*

*Tel (510) 979 – 9489
fazlghanimogaddedi@yahoo.com*